

سال اول - شماره بیستم

۱۵ شهریور ۱۳۹۳ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۴

سر دبیر: سهند مطلق



کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگر ایران





با مقدسات به جنگ بشریت رفته‌اند!

مفسر ابراهیم

باید به جنگ مقدساتشان رفت!



نشریه سهند

سال اول - شماره بیستم

۱۵ شهریور ۱۳۹۳ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۴

سر دبیر: سهند مطلق

ایمیل:

Sahand.publication@gmail.com

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

<http://sahandpublication.wordpress.com/>

www.facebook.com/sahandkomiteazarbaijan

نشریه همفکر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

امروز ۱۳ شهریور، یک وبلاگ نویس به نام سهیل عربی، پدر یک کودک ۵ ساله در یک بیدادگاه اسلامی به ریاست قاضی خراسانی به اعدام محکوم شد! جرم؟ "توهین به پیغمبر اسلام!" به قول خود آیت‌الله‌ها "سب النبی"!

این تنها حکم قتل عمد دولتی به جرم "توهین به پیغمبر" نیست. این داستان نفرت‌انگیز یک وجه ثابت از جامعه‌ای است که در آن سرمایه‌داری با قوانین اسلامی‌اش حکومت می‌کند.

در سال ۹۰، جوان ۳۴ ساله‌ای به نام روح‌الله توانا به اعدام محکوم شد. جرم؟ به زبان آوردن جمله‌ای در یک ویدئوی شخصی که به تفسیر یک حاکم شرع اسلامی مصداق "سب النبی" بوده است! احکام ارتداد علیه سلمان رشدی و شاهین نجفی و کاریکاتورریست دانمارکی و داستان فاطمه زهرا و اوشین و ده‌ها مورد دیگر را هم که حتماً به خاطر دارید!

امروز دیگر کسی به شیادان اسلامی که باهر انتقادی به نام توهین به مقدسات مسلمین سر و صدا راه می‌اندازند تره هم خرد نمی‌کند. پتہ‌شان روی آب ریخته است. همه می‌دانند وقتی دهان آیت‌الله‌ها با نعره "سب النبی" کف می‌کند یعنی منفعتشان جایی در خطر افتاده است و قصد ارباب جامعه را دارند.

در همه موارد قبلی، چه آنگاه که در قالب جنبش اسلامی به نام توهین به

جهان را به خود جلب کند؛ و بالأخره موقعیت خودش را که در ایران هر روز منفورتر و منزوی تر می‌شد در میان باندهای اسلامی در سطح جهان تقویت کند.

مقدسات تروریسم اسلامی و معمای "یک و نیم میلیارد مسلمان"

سؤال این است که چرا اسلام سیاسی و سرانش این همه روی "مقدسات" سرمایه‌گذاری می‌کنند؟ آیا واقعاً دنبال صواب اخروی هستند؟ آیا واقعاً "آزرد خاطر" (چه عبارت لوکسی برای این جانان!) شده‌اند؟ آیا واقعاً احساسات مسلمانان جهان جریحه‌دار شده است و مثلاً خمینی و خامنه‌ای در مقام مدافع به میدان آمده‌اند؟

پاسخ همه این سؤالات یک نه محکم است. دنیایی از وقاحت در این ادعا هست که مثلاً کسی به محمد گفته است بالای چشمش ابروست و گویا احساسات مسلمین جهان جریحه‌دار شده است و حالا آیت‌الله‌ها به خاطر این احساسات بساط قمه چرخانی راه انداخته‌اند!

اولاً معلوم نیست چرا از میان این "یک و نیم میلیارد مسلمان" جهان، آن هم بعد از کلی تحریک و نفرت پراکنی و به گرو گرفتن نان و آب مردم و سازمان‌دهی تظاهرات فرمایشی - کرایه‌ای توسط دولت‌های اسلامی، فقط تعداد بسیار قلیلی مثلاً در خیابان‌های پاکستان نعره می‌کشند و بس؟ یادتان هست که کاریکاتور محمد مدت‌ها بود در سایت‌ها و رسانه‌ها در معرض دید همه مسلمانان جهان گذاشته شده بود اما کسی به خیابان نیامد تا اینکه با اعزام یک آخوند تروریست از اروپا به "ممالک اسلامی" یک‌دفعه چشم مردم جهان به "تظاهرات خودجوش" باز شد!

واقعیت چیست؟ "یک و نیم میلیارد مسلمان" یک عنوان قلابی است که آگاهانه و هدفمند به پیشانی بخشی از مردم جهان چسبانده‌اند و آن‌قدر تکرار می‌کنند که واقعاً این دروغ را به باور مردم جهان تبدیل کنند و نهایتاً خود را به مثابه بخش مهمی از مردم جا بزنند. درحالی‌که نه تنها مستقیم‌ترین قربانیان سازمان‌های اسلامی و شریعتشان همین مردم "مسلمان" هستند بلکه یک نبرد دائمی و تعطیل‌ناپذیر میان این مردم و جنبش اسلامی در جریان است.



پیغمبر پرچم لا اله الا الله بلند کرده‌اند و در خیابان‌ها عربده کشیده‌اند و چه آنگاه که در ایران ساطور خونینشان را بالای گردن کسی چرخانده‌اند و حکم ارتداد و اعدام داده‌اند، حتماً بدانید که ثروت اقتصادی و موقعیت سیاسی جنبش و طبقه‌ای به خطر افتاده است.

چند نمونه

داستان مسخره و درعین حال غم‌انگیز فاطمه زهرا و اوشین یادتان هست؟ روز مادر بود و مبلغین جمهوری اسلامی برنامه زنده رادیویی راه انداخته بودند که فاطمه زهرا را به عنوان الگوی زنان به مردم حقنه کنند. دختری جوان در پاسخ گفته بود اوشین الگوش است نه فاطمه زهرا! چرا؟ چون "حضرت زهرا مال ۱۴۰۰ سال پیش است. ما یک الگوی امروزی می‌خواهیم..."

میدانید چرا همین یک جمله ساده رئیس کشتارگاه اسلامی یعنی خمینی را آن چنان به خشم آورد که زنجیر قضاات شرعش را برای قتل آن دختر جوان رها کرد؟ به این دلیل که آن شاید هفت خط با غریزه حیوانی-اسلامی فوراً متوجه شد که این جمله خبر از اعماق دل مردمی می‌دهد که به مقدسات اسلامی پیشیزی ارزش قائل نیستند. این جمله دارد اعماق انسانی و مدرن و پیشرو جامعه را رو می‌کند که تماماً در نقطه مقابل ارزش‌های ارتجاعی حاکم است. خمینی در این جمله طنین فریاد نسل جوانی را دید که عمق نفرتشان از حکومت اسلامی و تمام ارزش‌ها و اخلاقیاتش را در سال ۸۸ با قدرت تمام به نمایش گذاشتند.

اما تهدید جان و زندگی یک "شهروند" ایران که از نظر حاکمیت اسلامی باید زیردست و پای شریعت له شود برای قدرت‌نمایی نمایندگان سرمایه و اسلام کافی نبود. درست ۱۷ روز پس از ماجرای اوشین، سلمان رشدی بهانه دیگری دست داد. او شهروند انگلستان است. با حکم قتل او هم می‌توان به بهانه "هانث به ساحت مقدسات" در سطح جهان الم‌شنکه بپا کرد و هم می‌توان علیه فرهنگ و مدنیت غرب تحریک کرد که یک رکن اسلام سیاسی است. خمینی که به جرئت می‌توان گفت یکی از حقه‌بازترین سیاست‌بازهای قرن بود، فوراً این فرصت را در هوا قاپید تا با فتوای قتل یک شهروند انگلیسی قدرت‌نمایی کند؛ توجه فرقه‌های اسلامی در گوشه و کنار

مقدسات البته فقط مذهبی - اسلامی نیستند. طبقات حاکم مقدسات دیگری دارند که بسته به شرایط علم می‌کنند و دقیقاً نقش همان مقدسات مذهبی - اسلامی را بازی می‌کنند. برای مثال جنبش ناسیونالیستی و قوم پرست ده‌ها اسم و عنوان در صندوق مقدساتشان ذخیره کرده‌اند که برای این جنبش دقیقاً نقش پیغمبر و امام و شریعت را بازی می‌کند. میهن و تمامیت ارضی و پرچم و سرود ملی و نژاد و قوم اصیل و تاریخ پرافتخار و شاهان و ایلیخانان و غیره مقدسات جنبش ملی و قومی هستند که از نقطه‌نظر جنبش ناسیونالیستی به همان اندازه مذهب و مقدسات مذهبی ظرفیت سرکوب و جنایت دارند. ناسیونالیست‌های ترک و عرب و کرد و ارمنی و صرب و کروات و غیره آن‌قدر از این مقدسات در زرادخانه‌شان دارند که اگر جلویشان گرفته نشود و مهار نشوند برای تباه کردن کل بشریت در کره زمین کم نمی‌آورند.

گذاشت. نباید آن زنی را که با بدن لختش به جنگ مرتجعین اسلامی رفته است تنها گذاشت. نباید آن دختر و پسر جوانی که با لباسش و موی سرش به قوانین و محدودیت‌های شریعت اسلامی تف می‌کند تنها گذاشت. باید دست همه آن انتشاراتی‌ها، همه آن کتاب‌فروشی‌ها، همه آن کاریکاتورریست‌ها که در مقابل لات‌های سازمان‌یافته اسلامی مرعوب نشدند و آیات شیطانی را منتشر کردند و کاریکاتور محمد را تکثیر کردند و به ارعاب اسلامی دهان کجی کردند به گرمی فشرده. هر عقب‌نشینی در مقابل جانوران هار اسلامی آن‌ها را هارتر می‌کند. هر کوتاه آمدن در مقابل عربده‌های جنبش اسلامی به نام مردم مسلمان دست و پای خونین و چرکین این وحوش را درازتر می‌کند.

مبارزه علیه همه این مقدسات، در هم شکستن "ابهت" آن‌ها، به نیشخند و به تمسخر گرفتنشان وجه مهمی از مبارزه کارگران، زنان و جوانان و همه مردم محروم زخم‌خورده از تبعیض اسلامی و ملی است. مبارزه با مقدسات سیاسی و ایدئولوژیک وجه مهمی از در هم شکستن خود نظم حاکم است.

اما در هم شکستن مقدسات اسلامی فقط و فقط مسیر پایان دادن به نظامی طبقاتی که به این مقدسات نیاز دارد را هموار می‌کند. رهایی کامل از این مقدسات تنها زمانی ممکن است که خود آن نظم طبقاتی را زیر و رو کرد. نظامی که به مقدسات نیاز دارد. مسئله بر سر در هم شکستن حاکمیت سرمایه بر کار، حاکمیت سرمایه بر جامعه است. فقط آنگاه است که می‌توان همه مناسبات و قوانین و احکام و خرافات و مقدسات اسلامی و غیر اسلامی را همراه ریشه اقتصادی و سیاسی‌اش به تاریخ سپرد.*

زیر عنوان "یک و نیم میلیارد مسلمان"، اکثریت عظیمی از کارگران و مردم محروم قرار دارند که در ایران و افغانستان و پاکستان و ترکیه و سودان و غیره توسط سرمایه‌داران حاکم چپاول می‌شوند و در کشمکش و مبارزه دائم با طبقات حاکم و ایدئولوژی اسلامی‌شان هستند. میلیون‌ها زن و جوان قرار دارند که از هر چه شریعت و اسلام و قوانین اسلامی است متنفرند و شبانه‌روز علیه‌شان مبارزه می‌کنند. نیروی بزرگی از آته‌نیست‌ها و کمونیست‌ها و سکولارها قرار دارند که برای رهایی جهان از نکبت مذهب و خرافات و مافیاهای مذهبی و مشخصاً اسلامی نبرد می‌کنند. از نقطه‌نظر این اکثریت عظیم به اصطلاح "جهان اسلام"، جنبش اسلامی و شریعتش دشمن آمال و آرزوهای انسانی و مدنیت و دستاوردهای پیشرو بشر هستند که هر جا دستشان رسیده چیزی جز فقر و رنج و تباهی و خرابی برجای نگذاشته‌اند. از نقطه‌نظر این اکثریت عظیم، این جنبش با تمام مقدساتش باید در موزه سیاسی تاریخ به مثابه نشانه‌ای از لحظات تاریک و ننگین تاریخ قرار گیرند!

"توهین به مقدسات" فقط و فقط بهانه طبقات حاکم و جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های این طبقات برای ارعاب جامعه و به تسلیم کشاندن جامعه است. وقتی جوانی آرا و افکار و کاراکتر محمد را به تمسخر می‌کشد دارد عملاً کاراکتر سیاسی حکومت و طبقه‌ای را زیر سؤال می‌برد که پیغمبر یک ستون ایدئولوژیکی و "تقدس" پیغمبر ابزار سرکوبش است. وقتی مقدسات زیر نقد و تمسخر قرار گیرند دیگر بدرد آن حکومت نمی‌خورند. "ابهتی" در میان نمی‌ماند که همین "یک و نیم میلیارد مسلمان" را با آن بترسانند.

ناسیونالیسم هم زرادخانه مقدسات دارد!

مقدسات البته فقط مذهبی - اسلامی نیستند. طبقات حاکم مقدسات دیگری دارند که بسته به شرایط علم می‌کنند و دقیقاً نقش همان مقدسات مذهبی - اسلامی را بازی می‌کنند. برای مثال جنبش ناسیونالیستی و قوم پرست ده‌ها اسم و عنوان در صندوق مقدساتشان ذخیره کرده‌اند که برای این جنبش دقیقاً نقش پیغمبر و امام و شریعت را بازی می‌کند. میهن و تمامیت ارضی و پرچم و سرود ملی و نژاد و قوم اصیل و تاریخ پرافتخار و شاهان و ایلخانان و غیره مقدسات جنبش ملی و قومی هستند که از نقطه‌نظر جنبش ناسیونالیستی به همان اندازه مذهب و مقدسات مذهبی ظرفیت سرکوب و جنایت دارند. ناسیونالیست‌های ترک و عرب و کرد و ارمنی و صرب و کروات و غیره آن قدر از این مقدسات در زرادخانه‌شان دارند که اگر جلوی‌شان گرفته نشود و مهار نشوند برای تباه کردن کل بشریت در کره زمین کم نمی‌آورند.

باید علیه مقدسات مبارزه‌ای فعال پیش برد!

نباید آن وبلاگ نویسی را که جرئت کرده است محمد را به طنز بکشد تنها گذاشت. نباید آن نویسنده‌ای را که شریعت را به نقد کشیده است تنها





احیا دریاچه ارومیه، رویا یا واقعیت!

فراز آزاد

چند ماه گذشته در تبریز و ارومیه و در دانشگاه تبریز و سایر دانشگاه‌ها، نشان از بالندگی مبارزات مردم در این عرصه است. این مبارزات، رژیم را وادار می‌کند که به تناقض گویی بی افتد و در این پارادوکس سیاسی - اجتماعی دچار یاوه‌گویی شود.

از عیسی کلانتری دبیر ستاد احیا دریاچه ارومیه در رسانه‌ها چنین آمده است:

عیسی خان دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه این روزها برخلاف دولت تدبیر و امید حرف از ناامیدی می‌زند وی می‌گوید: "هنوز با گذشت ماه‌ها از تصویب اعتبار مورد نیاز برای احیای دریاچه ارومیه، ریالی از این بودجه پرداخت نشده است."

عیسی کلانتری در منطقه آذربایجان شرقی، اظهار کرد: "در سال جاری و برای نجات این دریاچه ۱۴ هزار و ۶۷۰ میلیارد ریال اعتبار تخصیص داده شده اما متأسفانه خزانه مبلغی را به ما نداده است. به نظر می‌رسد بوروکراسی اداری باعث تأخیر در پرداخت اعتبارات احیای دریاچه ارومیه شده است."

وی با تأکید بر اینکه تنها یک ماه از ارائه طرح‌های نهایی احیای دریاچه ارومیه می‌گذرد، گفت: "اجرای این طرح‌ها زمان بر خواهد بود. حداقل ۱۰ سال برای تغییر چهره دریاچه ارومیه زمان نیاز است و نباید به طرح انتقال آب از ارس دل ببندیم چرا که کمبود آب در استان به چشم می‌آید و این آب تنها می‌تواند نیازهای ضروری استان را تأمین کند."

احیا دریاچه یک رویا نیست! امکان‌پذیر است ولی نه با سرکار ماندن رژیم

نابودی دریاچه ارومیه در طول بیش از سه دهه و در نتیجه اعمال سیاست‌های کثیف و غیرعلمی رژیم جمهوری اسلامی در عرصه آب و کشاورزی و سد سازی اتفاق افتاد. به این واقعیت غیرقابل‌انکار، سران رژیم به اشکال مختلف از رئیس‌جمهور گرفته تا وزیر و رئیس سازمان محیط زیست و مقامات محلی، همه و همه اعتراف کرده‌اند و دقیقاً از این زاویه است که بقول خودشان دارند فکری به حال این فاجعه زیست‌محیطی می‌کنند. رئیس‌جمهور قول‌هایی می‌دهد، ستاد تشکیل می‌دهند و فردی از اعوان و انصار خودشان را هم بر رأس این ستاد قرار می‌دهند تا به مردم جان به لب رسیده از ۳۵ سال جهنم اسلامی بگویند که نگران نباشید ما خودمان خراب کرده‌ایم، اجازه بدهید خودمان هم درست می‌کنیم. تشکیل ستاد احیا دریاچه در این چهارچوب سیاسی می‌گنجد. آقای عیسی کلانتری هم در رأس این ستاد، خود از سرکرده‌های محلی خودشان است. دو سال از قولی که رئیس‌جمهور در به اصطلاح مبارزه انتخاباتی‌اش داده، می‌گذرد، هیچ کاری صورت نگرفته و قطعاً این ستاد هم کوچک‌ترین کاری قرار نیست انجام بدهد، جز هیاهوی تبلیغاتی برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی رژیم در حل این معضل! رژیم چاره‌ای جز گرفتن پز "تصمیم برای احیا دریاچه" ندارد.

در طرف دیگر این فاجعه زیست‌محیطی، مردمی قرار دارند که هر روز بیش از پیش به ماهیت کثیف و ضد انسانی رژیم پی برده‌اند و می‌برند. مردمی که در همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی با رژیم درگیرند و مشغول مبارزه‌ای هر روزه! مردم آذربایجان هر لحظه به دنبال فرصتی هستند که به این اتفاق مهم زیست‌محیطی منطقه زندگی‌شان اعتراض کنند و هر روز هم در این عرصه از مبارزه رادیکال‌تر از قبل عمل کرده و می‌کنند. اعتراضات

می‌گوید و لیچار تحویل مردم می‌دهد! اگر طرح درست و حسابی و علمی در کار باشد و بودجه هم پرداخت شود، قطعاً نجات دریاچه کاملاً مقدور و دور از واقعیت نیست.

مردم به خوبی می‌دانند که تمام گفته‌های دبیر ستاد احیا دریاچه، شامورتی بازی‌های تبلیغاتی برای وقت خریدن برای رژیم، در برابر مبارزات هر روزه مردم است! مردم آذربایجان و فعالین عرصه مبارزه برای دفاع از محیط زیست و دریاچه ارومیه، راهی جز تداوم مبارزه برای تحت فشار گذاشتن رژیم برای تسریع در اجرای اقدامات لازم برای احیا دریاچه ندارند. تا به امروز رژیم در برابر فشار مبارزاتی مردم مجبور به اظهارنظر و در این رابطه دچار تناقض‌گویی‌های این‌چنینی گردیده است. مردم آذربایجان باید توجه داشته باشند که اگر ما به نیروی خودمان باور داشته باشیم، می‌توانیم اراده خوبی برای تداوم و رادیکال‌تر کردن مبارزاتمان در این عرصه از خودمان نشان دهیم. مبارزه و اعتراض در این عرصه مبارزه‌ای برای دفاع از نفس زندگی همه انسان‌های ساکن آذربایجان است.*

جمهوری اسلامی! اظهارات عیسی کلانتری گویای این امر است که بعد از گذشت دو سال هنوز، بودجه‌ای پرداخت نشده! یعنی ستاد احیا پولی نداشت و بنابراین هیچ قدمی برداشته نشده است. در طول دو سال هم وضع دریاچه بدتر از قبل شده و آن ۵ درصد باقیمانده هم در شرف خشک شدن کامل است! ایشان مطرح کرده‌اند که تنها در طول این دو سال فقط و فقط طرح ارائه داده‌اند! و ۱۰ سال هم برای تغییر چهره دریاچه وقت لازم دارند! و همچنین نباید به طرح انتقال آب از ارس دل ببندیم و...!

عجب، معلوم نیست این آقای به اصطلاح دبیر مردم را و به ویژه جوانان را چه فرض کرده‌اند. امروز دنیا با امکانات ارتباطی اینترنت و ماهواره آن چنان انسان‌ها را به هم مرتبط کرده که نمی‌شود مردم را با تناقض‌گویی‌های این‌چنینی فریب داد. بعد از جنگ جهانی دوم با آن تکنولوژی ۷۰ سال قبل، خرابی‌های جنگ در هر کشوری فقط ۴ سال طول می‌کشید تا بازسازی شود. با تکنولوژی امروز که ما هر روزه شاهد ساخت‌وسازهای عظیم سد و آب و کانال‌کشی در همه جای دنیا هستیم، عیسی کلانتری دارد غیب

از لابه لای اخبار

مهدی شکر مهر



مقابله با بدحجابی و ماهواره به ضرر حکومت است!

”مقابله با بدحجابی و ماهواره به ضرر حکومت است!“ این سخنان علیزاده ”معاون پیشگیری از وقوع جرم“ دادگستری آذربایجان غربی است. وی هفته گذشته گفته: ”این یک واقعیت است که ۷۰ تا ۸۰ درصد از مردم از گیرنده‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند، مبارزه با آن به ضرر حاکمیت است و می‌توان گفت جمع‌آوری ماهواره‌های مردم نوعی تقابل محسوب می‌شود و همچنین این کار تبعات اجتماعی به دنبال دارد و کما اینکه قبلاً نیز وجود داشت. با جمع‌آوری ماهواره اعتراضات و نارضایتی مردم افزایش پیدا می‌کند و حتی با برچیدن ماهواره‌ها، مردم پس از چند روز دستگاه گیرنده دیگری را جایگزین می‌کنند. پدیده بدحجابی نیز به مرور در حال گسترش است، به همین دلیل مبارزه با بدحجابی در جامعه از نظر کیفی بسیار سخت شده است و اکنون به این مسئله پرداخته می‌شود که از نظر فرهنگی با بدحجابی مقابله شود.“

این‌ها اعترافات مقام قضایی حکومت به روی آوری گسترده مردم به استفاده از ماهواره و نه گفتن زنان به تحمیل حجاب اسلامی توسط حکومت می‌باشد. در مورد ماهواره و علل گسترش استفاده از ماهواره، در حقیقت نه بزرگی



مقابله با بدحجابی حکومتی فایده‌ای نداشته و باید کار "فرهنگی" در مورد حجاب کرد. معنای عملی این اعتراف به سخره گرفتن قوانین و مقررات ضد زن از جمله تحمیل حجاب اجباری توسط جنبش زنان می‌باشد. حکومت بیش از سه دهه است تلاش کرده و می‌کند تا جامعه را "اسلامیزه" کند. صدها قانون و مصوبه و مقررات محدودیتی برای زنان ایجاد کرده، تفکیک جنسیتی را قانونی کرده، ده‌ها مانع در برابر تحصیل زنان گذاشته، در کنار این‌ها سرکوب و زندان و اعدام را بر بالای سر زنان نگه داشته، امروز رسماً و علناً اعتراف می‌کند که همه این سیاست‌هایش شکست خورده است. جنبش زنان در ایران قدرتمند شده و به پیش‌رفته و همه محدودیت‌های قانونی اسلامی حکومت را زمین‌گیر کرده، آه و ناله حکومت از "بدحجابی" و اعتراض و تمسخر حجاب اسلامی توسط زنان بلند شده. حالا قرار است به پیشنهاد این مقام قضایی استان "کار فرهنگی برای مقابله با بدحجابی" به عنوان راه حل در پیش‌گرفته شود. خود این جناب می‌داند که این حرفش شوخی بیش نیست. سه دهه است زنان ایران "کار فرهنگی" جمهوری اسلامی را تجربه کرده، در برابرش مقاومت کرده و با اعتراض زنان به عقب رانده شده است. ظرفیت‌های ضد انسانی اسلام و مذهب و قوانینش امروز برای همه مردم ایران کاملاً روشن شده است. این توصیه‌ها هم راه به جایی نخواهد برد.*



است که مردم، به ویژه نسل جوان به سیاست‌های صدا و سیمای رژیم در همه عرصه‌ها می‌گویند. مردم از صدا و سیما و سیاست‌های ناظر به آن عاصی شده‌اند. صدا و سیمایی که مدام دروغ، جعل اخبار، خزعبلات و جهل و خرافه را به خورد مردم می‌دهد و مردم متقابلاً برعکس آن عمل می‌کنند. یک وجه دیگر این اعتراف، تأیید شکست همه سیاست‌های مقابله با "تهاجم فرهنگی حکومت" که استفاده از ماهواره و دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار می‌باشد. حکومت در این دو دهه گذشته ده‌ها قانون و مصوبه برای تحمیل ممنوعیت استفاده از ماهواره تصویب و با اتکا به نیروی سرکوبگرش به اجرا گذاشته است که در عمل همه آن‌ها در اثر مقاومت عمومی مردم شکست‌خورده‌اند. علاوه بر این مقام استانی حکومت، مدتی پیش مرکز پژوهش‌های مجلس رژیم هم طی گزارشی رسماً اعلام کرد که بیش از نصف مردم ماهواره دارند و سیاست ممنوعیت استفاده از ماهواره رسماً شکست‌خورده است. در این گزارش مجلس دلیل این امر بی‌اعتمادی و یک طرفه بودن سیاست خبرپراکنی و برنامه‌های صدا و سیمای رژیم اعلام شده است.

این مقام استانی با این وضعیت چاره‌ای جز این دارد که اعتراف نماید که مقابله با ماهواره به دلیل خطراتی که برای حکومت دارد به صرفه نیست، چرا که نارضایتی مردم را به دنبال داشته و این برای حکومت خطرناک است. این اعتراف دیگری است به گسترده بودن مقاومت و پتانسیل اعتراضی در میان مردم علیه سیاست ممنوعیت استفاده از ماهواره. به عبارتی حکومت هر چند زور می‌زند اینجا و آنجا ماهواره‌ها را جمع کند، اما درعین حال نگران واکنش مردم نیز هست و به عبارتی حکومت ناچار شده غیررسمی استفاده مردم از ماهواره را تأیید نماید. جرات سختگیری‌های زیاد را ندارد. همه این‌ها نشان مقاومت و مبارزه مردم در برابر سیاست‌های سانسور خبری رژیم و تأیید شکست این سیاست‌هاست که امروزه حکومت ناچار به آن اعتراف می‌شود.

اما در مورد حجاب، این مقام استانی در بخش دیگری از سخنانش اعتراف کرده که بی‌حجابی در شهرهای استان گسترش یافته است و سیاست‌های

وضعیت مدارس آذربایجان غربی

این آمار و ارقامی است که ایشان از وضعیت مدارس و سیستم گرمایشی داده است. بر اساس این آمار از مجموع ۲۱ هزار کلاس درس، ۹ هزار کلاس با بخاری نفتی گرم می‌شوند، ۶ هزار با سیستم موتورخانه، ۱۸۰۰ مدرسه با بیش از ۲۴۰۰ کلاس اصلاً سیستم گرمایشی ندارد. وی دست آخر گفته است که این استان نیاز به ۵ هزار کلاس درس جدید دارد.

وضعیت مدرسی که با بخاری نفتی گرم می‌شوند و حوادث و فجایعی که در این مدارس روی داده است، جای نگرانی خانواده‌های دانش‌آموزان است.

اسماعیل زاده مدیر کل نوسازی و تجهیز مدارس آذربایجان غربی گفته است: از ۲۱ هزار کلاس درس، ۹ هزار کلاس درس در کل استان از بخاری نفتی استفاده می‌کنند. سیستم گرمایشی ۶ هزار کلاس درس باقیمانده باید با راه‌اندازی سیستم موتورخانه انجام شود که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست. ۱۸۰۰ مدرسه با بیش از ۲۴۰۰ کلاس درس به دلیل کمبود اعتبار سیستم گرمایشی ندارند. این جناب در خاتمه گفته است: "استان نیاز به ۵۰۰۰ کلاس درس دارد تا مدارس دو نوبتی و چند نوبتی برداشته شود."

جهل و خرافه مذهبی را به خورد کودکان می‌دهند. اینجا رژیم سر کیسه را شل کرده چون لازمش دارد. در کنار این باندهای دولتی و سپاهی نزدیک به ۱۰ هزار تشکل و باند و مجموعه‌های آموزشی مورد نظر حکومت را در سراسر کشور راه انداخته و هیچ کدامشان هم کمبود بودجه ندارند. بر اساس یک آماري که حوزه‌های علمیه حکومتی اعلام کرده‌اند نزدیک به نصف مراکز آموزشی کودکان کشور در دست این باندهای تبهکاران مذهبی می‌باشند که بودجه‌های ده‌ها میلیارد تومانی در اختیار دارند. در کنار این گشاده دستی حکومت، به اعتراف سازمان نوسازی و تجهیز مدارس رژیم، در کل کشور ۱۶۰ هزار کلاس تخریبی وجود دارد که نزدیک به دو سال است حکومت وعده تعمیرشان را داده که هنوز عملی نشده است. این مدارس برای کودکان ناامن می‌باشند. در کنار این ناامنی، نبود امکانات بهداشتی و تفریحی، ورزشی، سیستم گرمایشی، فضای سبز، کلاس‌های استاندارد و... بیداد می‌کند. شهریه‌های بالا و اخاذی حکومت از خانواده‌ها و خطر بازماندن از تحصیل به دلیل فقر خانواده‌ها معضل جدی میلیون‌ها نفر از مردم شده است.

این وضعیت را خود حکومت به وجود آورده و گسترش داده است. در برابر این سیاست‌های کثیف حکومت در عرصه آموزش و پرورش مردم نباید ساکت بنشینند. اعتراض و مبارزه مردم و خواست دسترسی و برخورداری از مدارس و کلاس‌های درس استاندارد با امکانات مدرن و کافی باید مطالبه اصلی مردم باشد. پر واضح است که حکومت به راحتی این خواست را قبول نخواهد کرد...

تا آنجایی هم که به وضعیت مدارس در استان آذربایجان غربی بر می‌گردد، مردم و خانواده‌های دانش‌آموزان هم باید دست به اعتراض زده و حکومت را مجبور نمایند که به وضعیت مدارس رسیدگی کنند. زمینه این اعتراض اجتماعی به طور واقعی در جامعه موجود است. مدارس باید امن شوند. بخاری نفتی باید برچیده شود. برخورداری از امکانات بهداشتی، کلاس‌های درس با امکانات کافی و سیستم گرمایشی استاندارد حق دانش‌آموزان است. برای محقق کردن این خواست‌های اساسی باید دست به اعتراض زد و به خیابان آمد. هر آنچه این مردم داشته و دارند، نه از صدقه سر حکومت دزدان و قاتلان، بلکه نتیجه اعتراض مبارزه مداوم مردم بوده است. باید به این وضعیت اعتراض کرد.*

فقط در چند سال گذشته ده‌ها مدرسه دچار آتش‌سوزی شده و ده‌ها دانش‌آموز دچار سوختگی‌های شدید شده و بخشا در گذشته‌اند. تازه‌ترین این حوادث آتش‌سوزی مدرسه شین آباد می‌باشد؛ که ۱۲ کودک دانش‌آموز دختر دچار سوختگی‌ها ۹۰ درصدی شده‌اند. از حدود دو سال پیش که این اتفاق روی داد حکومت وعده و وعده‌های توخالی زیادی داد که از اول هم معلوم بود عملی نخواهند شد. به عبارتی مدارس سراسر ایران از جمله مناطق آذربایجان برای دانش‌آموزان کماکان ناامن است. در این میان این مقام حکومتی با وقاحت و بی‌شرمی گفته است: "اگر بودجه و اعتبار باشد این مدارس تجهیز می‌شوند." یعنی تا حالا رژیم قصد نوسازی و تجهیز مدارس به سیستم گرمایشی استاندارد را در دستورش ندارد. این در حالی است که نزدیک به دو هفته به آغاز سال تحصیلی جدید مانده و حکومت قصد رسیدگی به این وضعیت اسفناک مدارس را ندارد.

با استناد به همین آمار و ارقام از تعداد ۲۱ هزار کلاس درس نزدیک به ۱۰ هزار کلاس سیستم گرمایشی استاندارد ندارد. بی‌تفاوتی و عدم تخصیص اعتبار برای تجهیز و نوسازی مدارس یک سیاست همیشگی حکومت بوده است. دولت دزدان و قاتلان برای هر چیزی که خودشان بخواهند بودجه و اعتبار دارند. هزاران محفل جهل و خرافه مذهبی تحت عنوان "دارالقرآن" در سراسر کشور راه انداخته است که بالاترین استاندارد را دارند. در این محافل



مشخصات ماهواره هات برد:
فرکانس ۱۱۲۰۰ اف ای سی ۵/۶ عمودی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
شبکه negah e shoma

تلویزیون کانال جدید در سایت
GLWIZ زیر اسم NEGAH E
SHOMA نیز قابل مشاهده است.
WWW.GLWIZ.COM

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: +۹۸۹۶۹۸۹۷-۱۳۱۰

برنامه مستقیم کانال جدید به زبان ترکی

تهیه کننده و مجری: محسن ابراهیمی

هر هفته شنبه‌ها

۹ تا ۱۱ شب تهران ۶:۳۰ تا ۸:۳۰ اروپای مرکزی

این برنامه همزمان در اینترنت قابل دسترسی است